

بررسی عوامل گرایش نوجوانان به بزهکاری و راهکارهای

پیشگیری از آن

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۷/۱۱ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۹/۱۶)

دکتر حسین یار احمدی^۱

محمد رضا تقوی

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران

چکیده

گرایش کودکان و نوجوانان به بزه حاصل عوامل متعددی در سطح فرد، خانواده، مدرسه و جامعه است. در ابتدا اینطور به نظر می رسد که اغلب کودکان و نوجوانانی که به بزهکاری گرایش پیدا می کنند شرایط بسیار دشواری را در خانواده تجربه کرده اند. آنها معمولاً خشمگین، نا امید، افسرده، مضطرب و بی پناه هستند. احساس نا امنی می کنند و تحت فشارهایی قرار می گیرند که از حد تحمل آنها فراتر می رود و در نتیجه برای یافتن شرایط بهتر، از خانواده دوری می جویند و ممکن است به فرد یا افراد ناموجه دیگری پناه ببرند که این خود زمینه انحطاط و گرایش به بزه را فراهم می نماید. در این مقاله تلاش شده حوزه بهداشت روانی، عوامل خطر، عوامل حمایتی و... و پیامدهای سوء رفتار با کودکان که در سنین بعد منجر به گرایش به بزهکاری می شوند مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: بزهکاری، نوجوان، خانواده، والدین



مقدمه

دوران کودکی و نوجوانی یکی از مهمترین دوران رشد و تکامل انسان می باشد که می تواند آسیب پذیری زیادی به همراه داشته باشد. رشد و تکامل جسمی و روانی انسان از دوران کودکی آغاز و بسیاری از جنبه های تکاملی در این دوران و سپس در نوجوانی به دست می آید و هرگونه آسیبی در این دوران می تواند پیامدهای طولانی مدتی را درطول زندگی ایجاد نماید. عدم مراقبت کافی و محافظت از کودک در برابر خطرات و سایر خدمات مورد نیاز او که عمدتاً به دلیل نا آگاهی و غفلت والدین از نیازهای اساسی کودک است، همواره کودکان و نوجوانان زیادی را به ورطه انحراف و در نهایت به گرایش به بزهکاری سوق می دهد.

بخش اول: نقش پر اهمیت خانواده

فرزندان در بستر خانواده رشد می کنند و در واقع خانواده مانند باغی است که فرزندان، نهالهای جوان و تازه آن هستند و اگر شرایط در این باغ مناسب باشد این نهالها به خوبی رشد می کنند ولی اگر سیلاب، باغ را در بر بگیرد نخستین چیزی که از بین می رود همان نهال های نوپا هستند. خانواده از دومنظر محل آسایش و آرامش فرزندان است یکی از لحاظ مادی و دیگری به لحاظ روانی و عاطفی. نوجوان به خوراک، پوشاک و... نیاز دارد ولی بیش از آن نیازمند آرامش و فضائی امن است او نیازمند محبت و حمایت والدین است. اگر نوجوان در محیط خانه پذیرفته نشود این پذیرش را از همسالان در محیط خارج از خانه کسب می کند که این خود، او را در معرض بسیاری از انحرافات قرار خواهد داد. اساساً خانواده پیکر اصلی جامعه است و آینده سازان فردای جامعه در خانواده پرورش می یابند. ایجاد روابط سالم و دوستانه والدین با فرزندان بسیار حائز اهمیت است. والدین باید با پابندی عملی به اصول اخلاقی و



اسلامی و بها دادن به فرزندان آنها را از لحاظ شخصیتی سر خورده بار نیاورند و همچنین در زمینه دوست یابی فرزندان، بسیار حساس پیگیر باشند. هنگامی که خانه به یک محیط نا امن تبدیل گردد فرزندان راهی جز فرار از منزل نمی بینند که گاهی این فرار ریشه در انحرافات فردی دارد، ولی نمی دانند که فرار از منزل سرآغاز غوطه ور شدن در سراب است و سرابی که در پی آن سقوط در چاه تباهی و گرایش به انواع انحرافات اخلاقی و بروز انواع رفتارهای مجرمانه خواهد شد. عوامل گوناگونی می تواند سبب به وجود آمدن محیطی نا امن و پر اضطراب برای فرزندان باشد و زمینه های جدایی فکری نوجوانان را از خانواده فراهم آورد و این شرایط موجب می شود فرزندان از والدین فاصله گرفته و کاهش ارتباط با آنان را سبب می گردد و این خود، زمینه ساز ایجاد روابط ناصواب در بیرون از خانواده می گردد که در نهایت موجبات گرایش نوجوان را به بزه فراهم می آورد. کانون گرم خانواده موهبتی بسیار بزرگ است و افرادی که از نعمت داشتن خانواده بی بهره اند اهمیت آن را بیشتر درک می کنند. در کشورهای اروپایی اغلب افراد جدا از هم زندگی می کنند و تا چند دهه گذشته غرب به این موضوع افتخار می کرد ولی اکنون اندیشمندان غرب به این نتیجه رسیده اند که مشکلات بی شماری چون فساد، فحشا، خشونت، خیانت، اعتیاد و جنایت که غرب را فراگرفته، همه و همه در متلاشی شدن کانون گرم خانواده ریشه دارد. هنگامی که نیازهای عاطفی یک فرد در خانواده برآورده نشود و یا فرزندی از تربیت صحیح خانواده بی بهره باشد بدیهی است که در بیراهه های گوناگون گرفتار خواهد شد. در اثر پدیده بزهکاری آسیب های فراوان و جبران ناپذیری مانند آسیب های روحی روانی، فرهنگی، اجتماعی و... به خانواده، اجتماع و همچنین خود فرد وارد می آید.



بند اول: عامل خانه گریزی در گرایش نوجوانان به بزهکاری

در مورد عوامل خانه گریزی هم، اندیشه های گوناگونی وجود دارد برخی افراد خانه گریزی را دست آورد نا امنی، در خانه می دانند و عوامل خانوادگی را به عنوان تنها عامل این معضل تلقی می کنند. عده ای نیز با دید مجرمانه به فرد فراری می نگرند و به دیگر عوامل توجهی ندارند ولی آنچه مسلم است ریشه این معضل اجتماعی را عمدتاً می توان در خانواده یافت که در نهایت موجبات گرایش کودکان و نوجوانان به بزه را فراهم می آورد. برخی از نوجوانان به دلیل ظاهر شدن عوامل بلوغ، خود را از اجتماع دور نگه داشته و در گوشه نشینی به سر می برند و گاهی نیز دچار ضعف حافظه و یادگیری شده و افت تحصیلی پیدا می کنند و بعضی از نوجوانان دچار حس برتری جوئی شده و خود را ممتازتر از دیگران می دانند. این حس به قدری در نوجوان افزایش پیدا میکند که بعضی از دانشمندان وجود این حس را ذاتی می دانند. همچنین رقابت، تقلید، انتقام جوئی، استقلال طلبی، خود رأیی، خودنمایی و امثال آنها در اغلب نوجوانان ظاهر میشود، در نتیجه همراه بودن این دگرگونیهای ناگهانی سبب می شود تا هماهنگی میان جسم و روح نوجوان مختل شود و انقلاب روانی در او پدیدار گردد و یا اینکه نوجوان دوست دارد مستقل باشد و با باورهای والدین مخالفت کند به همین سبب این دوران پر حادثه ترین دوران برای آنها محسوب می گردد.

بند دوم : شیوه برخورد با نوجوانان

نوجوانی که به سن بلوغ رسیده دیگر خود را کودک نمی داند و بر این باور است که زمان استقلالش فرا رسیده و دیگر راهنمایی های پدر و مادر را همچون گذشته درست نمی پذیرد و دوست ندارد تحت کنترل باشد و اغلب مایل است خود تصمیم بگیرد. پدران و مادران باید



بکوشند از توجه مستقیم و نظارت پیوسته و همچنین حالت دستوری دست بردارند و به قول معروف از شیوه کنترل از راه دور استفاده نمایند. آنان باید نوجوانان را تا حدی که زیانبار نباشد آزاد بگذارند و با مهربانی مسیر صحیح را برایشان مشخص کنند. دیگر اینکه با آغاز بلوغ جنسی، دگرگونیهای بدنی تا اندازه ای سبب ایجاد دلهره، نگرانی و سردرگمی میشود و نوجوانان به دلیل کم روئی از گفتن آن نیز خودداری می کنند. برای پیشگیری از این مورد والدین می بایست نوجوان را پیش از ورود به این مرحله از دگرگونیهای بعدی بدن، وی را با خبر کنند و اطلاعات لازم را با لطافت و مهربانی در اختیارش بگذارند. با تندی و خشونت، مقاومت و لجاجت نوجوان بیشتر خواهد شد و باید با مهربانی و نرم خوئی با او رفتار نمود و والدین باید بکوشند تا اعتماد او را نسبت به خود بیشتر نمایند. نوجوانی دوره تخیل و در رویا فرو رفتن است. در دوران بلوغ و رشد جنسی، تخیلات مسیر تازه ای پیدا می کنند و به هنگام بیکاری به سراغ نوجوان می آیند در اینجا والدین می توانند با پر کردن اوقات فراغت نوجوان (مانند ورزش، فعایتهای فرهنگی و هنری و...) کمک کنند تا امکان خیال پردازی های او در مورد بدن و مسائل جنسی از بین برود. در جامعه ما بیشتر والدین از ویزگیهای دوران بلوغ بی خبرند و به جای حمایت و برخورد مناسب (آن گونه که ذکر شد) به رودروئی شدید با نوجوان می پردازد و فشار بسیاری بر او وارد می آورند. آنها می کوشند تا حالاتی مانند پرخاشگری، بی حوصلگی، لجبازی، بی انگیزه بودن و امثال آن را در نوجوان از بین ببرند غافل از اینکه این حالات در اختیار خود او نیست و والدین باید او را به دیده بیمار بنگرند و او را یاری دهند تا از این دوران بحرانی به سلامت عبور کند. به عقیده کارشناسان، یکی از مهمترین عوامل خانه گریزی و به تبع آن گرایش به بزهکاری همین عامل بلوغ و بحران هویت و برخورد نامناسب والدین با این موضوع است که آمار قابل توجهی را در بر می گیرد. شایسته



است والدین از توصیه های معصومین درباره انتخاب دوست به فرزندانشان کمک نمایند .
امیرالمؤمنین علی(ع) به فرزندشان امام حسن مجتبی (ع) فرمودند:

- پسر من، از دوستی با احمق پرهیز کن چرا که می خواهد به تو نفعی برساند ولی دچار خسارت می کند.

- از دوستی با بخیل پرهیز زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری از تو دریغ می کند.

- از دوستی با بدکار پرهیز کن که به اندک بهائی تو را می فروشد.

- از دوستی با دروغگو پرهیز کن که او به سراب ماند، دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور می نمایاند.

دوست ناباب و نا اهل از مهمترین عوامل انحراف انسان است و قابل توجه است که دوستی با همسالان هم فرهنگ و هم سطح، خطرات کمتری برای نوجوانان در بر خواهد داشت.

بند سوم: راهکارهای اصلاحی

تأمین نیازهای اقتصادی، فرهنگی، عاطفی، تفریحی و پرکردن اوقات فراغت نوجوانان- تقویت پایه های مذهبی و اعتقادی از طریق رسانه ها- ایجاد مراکز مشاوره در مکانهایی مانند مساجد، خانه های فرهنگ محله و... - افزایش سطح اطلاعات نوجوانان به وسیله صدا و سیما، مطبوعات و آموزش و پرورش- داشتن چهارچوب در فضای خانه- تخصیص وقت کافی برای نوجوان، احترام به او و همچنین ایجاد فضای رفاقتی، دوستانه و صمیمانه با وی.



بخش دوم: نقش آموزش و پرورش و جامعه

بند اول: نقش آموزش و پرورش

از آنجایی که دانش آموز ساعات زیادی را در مدرسه می گذرانند نقش آموزش و پرورش بسیار حائز اهمیت است. در آنجا نوجوان با همسالان خود روابط دوستی برقرار می کند و با محیط اطراف خویش تعامل می نماید. لازم است از معلمان و مربیان تبعیت کند، تکالیفش را انجام دهد، رفتار مناسبی داشته باشد و در واقع موقعیت های بسیار متعدد و متنوعی برای فعالیت او وجود دارد که می توان در پی آن او را ارزیابی نمود و در صورت لزوم و احساس خطر مداخله زودرس انجام داد. (به عنوان مثال در مواردی مانند ناسازگاری با همسالان، سرپیچی از قوانین، انجام ندادن تکالیف، افت تحصیلی و جذب شدن به گروه های ناسازگار و منفی گرا) نظارت مدرسه بر رفتار دانش آموز، مداخله به موقع و اطلاع رسانی به خانواده می تواند بسیار مؤثر واقع گردد. از طرفی می توان فرصت های زیادی فراهم نمود که نوجوان موفقیت و احساس رضایت را در فعالیتهای مثبت تجربه نماید. (مانند فعالیتهای ورزشی، هنری، اجتماعی و...) نوجوان از کارآمد بودن، مؤثر بودن و مسئول بودن لذت می برد. همچنین می توان فرصت های زیادی برای همدلی با همسالانش در اختیار او گذاشت. بسیار حائز اهمیت است که روش صحیح استفاده از اینترنت آموزش داده شود و نظارت لازم نیز بر آن اعمال گردد تا فضای مسموم برای نوجوان تولید نکند.

بند دوم: نقش جامعه

اکثر خانواده های ایرانی تحت پوشش خدمات بهداشتی هستند. در مراکز بهداشتی شهری و روستائی اطلاعات بهداشتی افراد جمع و نگهداری می شود. رابطین بهداشتی مشغول در این



مراکز ارتباط نزدیکی با خانواده های تحت پوشش خود دارند. البته خانواده های شهر نشین کمتر به این خدمات مراجعه می نمایند زیرا به خدمات خصوصی و گران قیمت دسترسی دارند. در مناطق کوچک تر و روستاها که امکانات خدمات خصوصی کمتری وجود دارد رابطین بهداشتی اطلاعات زیادی از افراد دارند و می توانند بسیاری از ناهنجاریهایی مانند خشونت، کودک آزاری، مصرف مواد مخدر، ترک تحصیل و... مشاهده کنند و همچنین خانواده های روستائی می توانند از رابطین کمک بگیرند. ایشان از سیستم مرجع کمک گرفته و در نهایت مداخله تخصصی تری را به کار می برند. اغلب خانواده های محروم تحت پوشش نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد و سازمان بهزیستی هستند که اطلاعاتی در رابطه با خانواده هایی که دچار معضلات اجتماعی (مانند خانواده هایی که زنان سرپرست آنها هستند و خانواده های بی سرپرست و همچنین خانواده های زندانیان) دارند که می توانند از طریق مشاوره و مددکاری با آنان تعامل نمایند.

• چند سخن و نکته ناب از بزرگان

- همدلی و همدردی با نوجوانان کلید اعجاز انگیزی است که دلهای آنان را برای کسب اطمینان و راهنمایی آماده و پذیرا می کند. (جان گری)
- آینده کودکان بسته به تربیت آنهاست. (ویکتور هوگو)
- اولین درسی که والدین به کودکان بیاموزند صداقت است. (شوپنهاور)
- دوسال پیش از تولد تربیت کودک آغاز می شود (بزرگان علوم تربیتی)



- یا فرزند نخواهید یا اگر می خواهید باید هستی و نیستی خود را واقعاً در راه تعلیم و تربیت او فدا کنید. (آندره ژید)

- فرزندی که در گلخانه زندگی با اندیشه سبز پرورش یافته باشد، افکارش در چهار فصل خدا خزان ناپذیر است.

نتیجه گیری

نوجوانان اگر شخصیتی قوی، اطلاعات بالا و درک درستی از واقعیت‌های رشد کسب کنند همچنین پرخاشگر و زودرنج نباشند بی شک احتمال خطا و انحرافشان کاهش خواهد یافت و این امر با همکاری خانواده و تربیت صحیح و همچنین مدرسه و رسانه ها (از طریق آگاهی بخشی به نوجوانان) اثرات مطلوب تری برجای خواهد گذاشت. بطور کلی از عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به بزهکاری به موارد ذیل می توان اشاره نمود:

از هم گسیختگی خانواده- سطح پائین نظارت والدین بر نوجوان- سطح پائین گرمی و حمایت والدین- سطح بالای طرد والدین- انواع خشونت های جسمی و جنسی- بی ثباتی- فقر- کشمکش های داخلی خانه- طلاق- خشونت- درگیری میان نوجوان و والدین- سختگیری بیش از حد- بیکاری- بی سرپرستی- بدسرپرستی- زندگی با ناپدری یا نامادری- تبعیض بین فرزندان- نبود پدر در خانه- پائین بودن سطح سواد و نا آشنائی والدین به موازین اسلامی- بی بند و باری و فقدان سلامت روان- عدم توجه به نیازهای نوجوان- عدم درک و نیاز به مورد توجه قرار گرفتن- دروغ- ریاکاری- استبداد پدر یا دیگر اعضاء خانواده- تحقیر نوجوان و سپر بلا نمودن وی- تهدید- تمسخر- در اختیار گذاشتن پول زیاد یا کم پولی- بدقولی والدین- عدم اختصاص وقت کافی برای نوجوان و شنیدن حرفهای او- نبود عدالت در



خانواده- تنبیه بدنی- خودخواهی پدر و مادر- آسان گیری و سختگیری بیش از حد- بد دهانی- فشار کار در خانه- عدم آشنایی والدین به نکات تربیتی

گاهی با یک قطره لیوانی لبریز می شود

گاهی با یک کلام قلبی آسوده و آرام می شود

گاهی با یک بی مهری، دلی می شکند

پس چه خوب است مراقب یک ها باشیم درحالی که ناچیزند ولی همه چیزند

«به امید روزی که جامعه ای عاری از جرم و جنایت داشته باشیم و کانون خانواده ها آتقدیر گرم و غنی باشد تا همواره فرزندان سالم و صالح به اجتماع تقدیم نمایند»

• تشکر و قدردانی

باسپاس فراوان از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر یار احمدی که رهنمودهایشان همواره روشنگر راهم بوده.

و با تشکر فراوان از مادر بزرگوارم سرکار خانم سادات، که با سابقه و تجربه بیش از ۴۰ سال در رسته آموزگاری و مربیگری کودک، در تهیه و تنظیم این مقاله از رهنمودهایشان بهره بسیار گرفتم.



منابع و مآخذ

۱. مصباح، علی و...؛ روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۴
۲. صمدی، فرزانه؛ بلوغ و دگرگونی های آن، انتشارات ایران نگین، چاپ سوم، ۱۳۸۲
۳. دشتی، محمد؛ پندهای جاودانه، نشر موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین (ع) قم (امیرالمومنین (ع))، چاپ دوم، ۱۳۸۲
۴. گری، جان؛ نکته های تربیتی، ترجمه علیرضا انگاره چی
۵. موسوی، شکوفه؛ (۱۳۹۸) فرار از خانه ، انتشارات قطره، چاپ دوم
۶. مهکام، رضا؛ خانه گریزی دختران (ریشه ها و پیامدها)، انتشارات مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما (استان قم)، چاپ اول، ۱۳۸۳
۷. تجربیات سرکار خانم سادات آموزگار و مربی باتجربه و با سابقه کودک